

عهد سلیمانی

ویژه‌نامه دومین سالگرد شهادت سپهبد شهید قاسم سلیمانی

سردار شهید سلیمانی

نمونه یک انسان کامل بود که مکتبش

می‌تواند الگویی برای فعالین دانشجویی باشد

سرمشق تشکیلات

[۴]

فعالان نشریات دانشجویی

در دومین سالگرد شهادت سردار با او تجدید میثاق کردند

با تو عهد می‌بندیم سردار...

[۱۲]

مدیریت به سبک

حاج قاسم [۶]

نشریات دانشجویی امسال هم
یاد و خاطره سردار دل‌ها را گرامی داشتند
گزیده برخی از یادداشت‌های منتشر شده را بخوانید

یادواره قلم‌ها

[۱۰]

به روایت فرمانده

[۸]

جبهه علمی

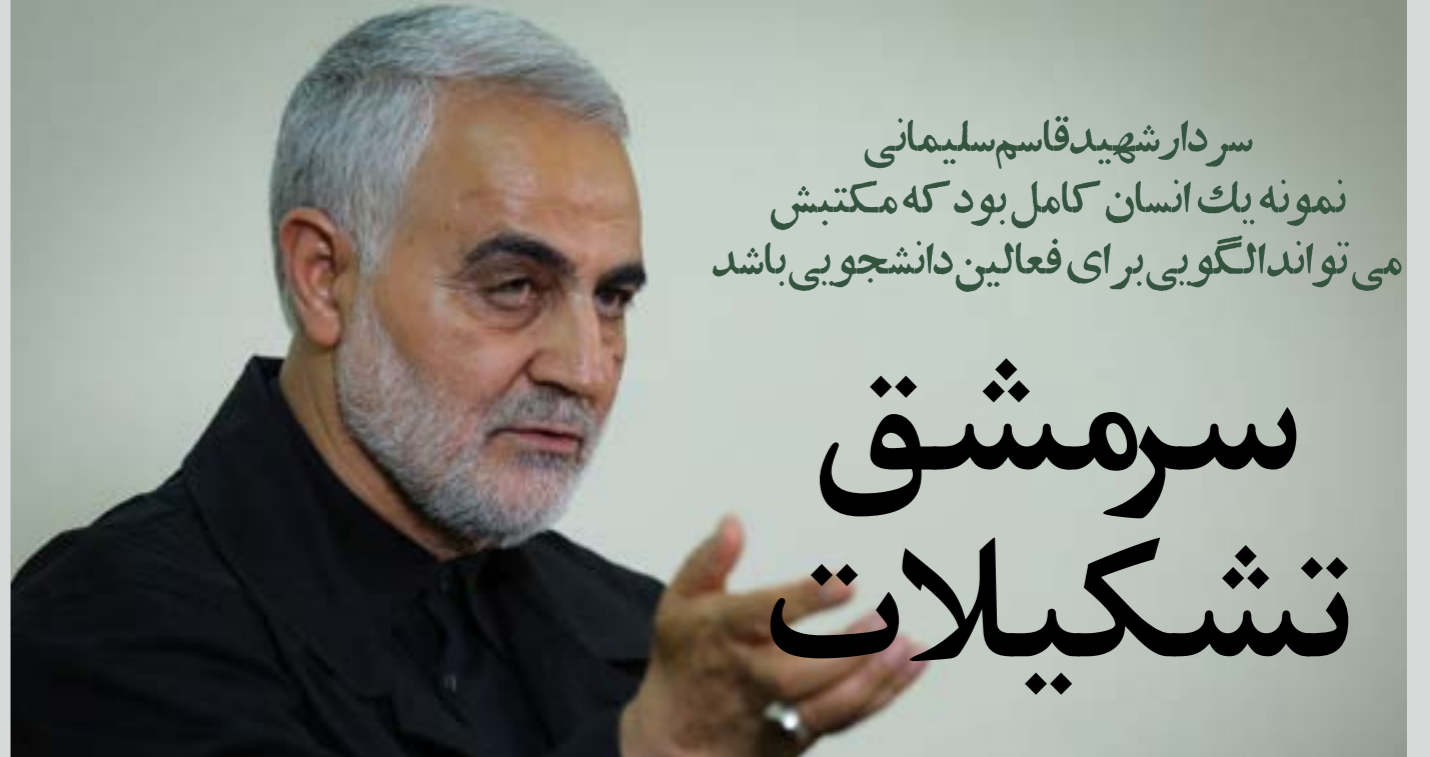
برادران و خواهران، پدران و مادران، عزیزان من! جمهوری اسلامی، امروز سربلندترین دوره خود را طی می کند. بدانید مهم نیست که دشمن چه نگاهی به شما دارد. دشمن به پیامبر شما چه نگاهی داشت و چگونه با پیامبر خدا و اولادش عمل کردند، چه اتهاماتی به او زدند، چگونه با فرزندان مطهر او عمل کردند؟ مذمت دشمنان و شجاعت آن ها و فشار آنها، شماراد چار تفرقه نکند.

عبدالله

	عهد سلیمانی		
	طرح مشترک ۴ نشریه دانشجویی از دانشگاه های سراسر کشور		
به کوشش اعضای شبکه نشریات دانشجویان ایران			
[در شبکه های اجتماعی منتظر شما هستیم]			
studentsmag_ir			
	هدیه به روح شهید سلیمانی، شهید ابومهدی المهندس و همه شهدای ۱۳ دی ۹۸ فرودگاه بغداد		

سردار شهید قاسم سلیمانی
نمونه يك انسان کامل بود که مکتبش
می تواند الگویی برای فعالین دانشجویی باشد

سرمشق تشکیلات



معین رضیئی

دانشجوی حقوق دانشگاه شهید بهشتی

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بزرگترین الگویی است که نسل دهه هفتادی و دهه هشتادی انقلاب توانسته‌اند وجود وی را در ک کنند. حاج قاسم شخصیت جامع الابعادی است که سیره‌ی عملی وی در موضوعات و برهه‌های زمانی مختلف می‌تواند بهترین راهنما برای نسل جدید باشد به دلیل همین ویژگی هاست که رهبر انقلاب نیز پس از شهادت ایشان از سیره‌ی عملی وی به عنوان مکتب یاد نموده و به همگان توصیه بهره‌گیری و الگوپذیری از این مکتب را داشتند، به همین دلیل در ویژه نامه‌ای که به مناسبت دومین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و همراهانش آماده کرده‌ایم به بررسی سیره عملی حاج قاسم در ابعاد مختلف پرداخته‌ایم که در ادامه متن آن را می‌خوانید.

بعد نظامی

برجسته‌ترین بخش کارنامه‌ی نظامی سردار سلیمانی باز می‌گردد به ۲۴ سالی که وی فرمانده سپاه قدس بود. ایشان بعد از آنکه در سال ۷۶ با حکم رهبر انقلاب به فرماندهی این نیرو منصوب شد، توانستند با مجاهدت‌های خود قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه را دهها برابر ارتقا داده و با

تقویت و آموزش بسیاری از بسیج‌های مردمی در منطقه، پایه‌گذار اصلی محور مقاومت علیه اسرائیل در خاورمیانه باشد. حاج قاسم این مهم را با بهره‌گیری از تجارب قبلی خود در دفاع مقدس به انجام رساند تا در مناقشات بزرگ نظامی خاورمیانه مانند جنگ ۳۳ روزه و یا نبرد باداعش، سبب پیروزی جبهه مقاومت شود. این پیروزی‌ها صرفاً خلاصه به میدان نظامی نمی‌شود، بلکه در بعد ایدئولوژیک و سیاسی نیز تلاش‌های حاج قاسم باعث شد بسیاری از طرح‌ریزی‌های آمریکا در منطقه به بن بست برسد.

برای درک بهتر تأثیری که حاج قاسم در شکست آمریکا در منطقه و نفوذ

گفتمان مقاومت در کشورهای اسلامی داشت باید به حدود دو دهه قبل بازگردیم، در اوایل قرن بیست و یکم آمریکایی‌ها به دنبال اجرایی کردن طرح خاورمیانه جدید یا خاورمیانه بزرگ بودند طر حی که در آن آمریکا به دنبال تغییر حکومت‌های منطقه و جابه‌جایی قلمرو کشورهای باهدف افزایش نفوذش در خاورمیانه و هم‌چنین تأمین امنیت رژیم صهیونیستی بود. برای اجرایی شدن این طرح در قدم اول نیز بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر با حمله ارتش آمریکا به افغانستان و عراق حکومت‌های وقت این دو کشور سقوط کردند.

آمریکایی‌ها به دنبال تغییر دولت‌ها در سایر کشورهای همسایه ایران نیز بودند اما اکنون که حدود بیست سال از آن روزها می‌گذرد تلاش‌های سردار سلیمانی و سایر یارانش در کشورهای منطقه باعث شده است آمریکا نه تنها به اهداف خودش در تغییر نقشه خاورمیانه نرسد بلکه مجبور به ترک تدریجی نیروهای خود در کشورهای خاورمیانه از جمله در عراق و افغانستان نیز بشود.

بعد سیاسی

در بعد سیاسی فارغ از فراز و نشیب دولت‌ها و عملکرد شخصیت‌ها، همواره حفظ اصل و اساس انقلاب و نظام جمهوری اسلامی خط قرمز حاج قاسم سلیمانی بود و به‌گواه تاریخ در مسیر دفاع از این اصول ملاحظه‌ای نداشت. بر این اساس مادر سیره‌ی عملی ایشان شاهد رفتارهایی بوده‌ایم که به ظاهر از منظر رفتار سیاسی شاید متناقض به نظر بیاید اما همه این رفتارها مبتنی بر منطق حمایت از اصل انقلاب قابل تعریف است. به عنوان مثال در وقایع مرتبط با تیر ۷۸ و حوادث تلخ کوی دانشگاه آنجایی که اصل نظام اسلامی از سوی سیاسیون مورد خدشه قرار گرفت، ایشان به همراه سایر سرداران سپاه

در واکنش به هتک حرمت انقلاب و رهبر معظم انقلاب نامه‌ای خطاب به سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت نگاشته و در آن به رویکرد منفعلانه وی در برخورد با فتنه‌گران و حرمت شکنان انقلاب اعتراض کرد.

مواضع سردار سلیمانی چه در دهه ۸۰ و به ویژه در وقایع فتنه ۸۸ و چه در مسائل و رویدادهای دهه ۹۰ تغییر و زاویه‌ای با اصول اساسی انقلاب پیدا نکرد. او با وجود اینکه منتقد برخی از مواضع و اظهارات مسئولین به‌ویژه رئیس‌جمهور سابق بود اما در حمایت از دولت هم از هیچ تلاشی فروگذار نبود. سال ۹۷ پس از خروج آمریکا از برجام در فضای بحرانی آن سال رژیم صهیونیستی و آمریکا ایران را تهدید کردند که با تحریم‌های خود فروش نفت ایران را به صفر خواهند رساند. در پاسخ به این تهدید رئیس‌جمهور روحانی به کشورهای غربی هشدار داد، اگر ما (ایران) نتوانیم نفت‌مان را بفروشیم و از این منطقه کشتی‌های نفتی ما عبور نکنند، هیچ نفت و کشتی نفتی از این منطقه عبور نخواهد کرد. بعد از این اتفاق سردار سلیمانی نامه‌ای سرگشاده خطاب به روحانی نوشته و در آن با عنوان سرباز ولایت از روحانی تشکر کردند. به جز این مثال‌ها وصیت نامه حاج قاسم نیز منعکس‌کننده شخصیت سیاسی ایشان است. در این وصیت نامه حاج قاسم بارها اقصشار مختلف را به حمایت از جمهوری اسلامی و تلاش برای اعتلای این نظام مقدس توصیه کرده‌است.

مهم‌ترین توصیه حاج قاسم در وصیت نامه خود پیرامون جمهوری اسلامی در این فراز وصیت نامه‌ی وی منعکس شده است: «امروز قرارگاه حسین‌بن‌علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر مانند دیگر حرم‌ها می‌مانند، اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی(ص)».

بعد فرهنگی

فرماندهان نظامی معمولاً آنقدر درگیر مشغله‌های مربوط به حیطة کاری خود هستند که عملاً در

زندگی فرصتی برای پرداختن به سایر امورات از جمله مشغله‌های فرهنگی پیدا نمی‌کنند. اما سردار شهید سلیمانی از این منظر نیز متفاوت با باقی فرماندهان نظامی و هم‌زمان خودش بود، به نحوی که برخی از فعالین فرهنگی معتقدند، اقدامات و کارهای فرهنگی شهید حاج قاسم سلیمانی چند برابر کار نظامی ایشان بوده است. در تأیید این گزاره مثال‌های زیادی می‌توان در زندگی شخصی ایشان به ویژه در یک دهه گذشته یافت. برای نمونه بنابر خاطرات اطرافیان حاج قاسم، تلاش گسترده‌ای برای ترجمه کتاب‌های انقلاب و دفاع مقدس به

[عهد سلیمانی] ویژه‌نامه دومین سالگرد شهادت شهید قاسم سلیمانی [۵]

زبان‌های مختلف دنیا انجام می‌داد.

در نمونه‌های دیگر می‌توان به تقریظ‌های حاج قاسم بر کتاب‌های مختلفی مانند «سربلند»، «وقتی مهتاب گم شد» و «گردان ۴۰۹» اشاره کرد.

در حیطة سینما و تلویزیون نیز حاج قاسم دارای دغدغه و صاحب‌نظر بودند، به خاطر وجود همین دغدغه‌بارها شاهد حضور ایشان در میان عوامل و پشت صحنه فیلم‌های سینمایی با موضوع دفاع مقدس و انقلاب اسلامی مانند فیلم «۲۳ نفر»، «بادیگارد»، «به وقت شام» و... بوده‌ایم. حضوری که جنبه تشریفاتی نداشته است و نظرات ایشان در روند تولید فیلم‌ها مؤثر هم بوده است.

مطابق اظهارات اخیر محمد حسنی مسئول سازمان رسانه‌ای اوج در سناریو اولیه پایتخت ۵ قرار بوده است شخصیت بابا پنجعلی شهید شود اما از قرار معلوم حاج قاسم با این موضوع مخالفت می‌کند و خطاب به عوامل فیلم می‌گوید، «مگر ما مرده‌ایم که عضوی از این خانواده کم‌شود.» به دلیل همین مخالفت و توصیه‌نیز عوامل این سریال تصمیم می‌گیرند تا سناریوی پایتخت را در نهایت به شکلی دیگر تغییر دهند.

بعد اجتماعی

چند روز قبل رهبر انقلاب در دیدار با خانواده شهید سلیمانی وی را «هلی‌ترین و امتی‌ترین شخصیت ایران و دنیای اسلام» توصیف کردند. به کار بردن چنین صفتی توسط رهبر انقلاب برای حاج قاسم ریشه در سیره اجتماعی

این شهید بزرگوار و نسبتش با مردم دارد. مردمی

که حاج قاسم در وصیت نامه خود این گونه از آن‌ها یاد می‌کند: «برادران و خواهران عزیز ایرانی

من، مردم پرافتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد» و از مسئولین نیز در

همین وصیت نامه می‌خواهد: «در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم

و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود خدمتگزار واقعی و توسعه‌گرا رزش‌ها باشند»

حاج قاسم ارتباطش با مردم را بر مبنای خط‌کشی‌ها عقیدتی - سیاسی که متأسفانه

در میان بعضی از داعیه‌داران انقلاب مرسوم است، تنظیم نمی‌کرد. در نزد وی تمامی انسان‌ها فارغ از مذهب، عقیده، رنگ و

نژادشان قابل احترام بودند. به دلیل وجود چنین نگاهی نسبت به انسان‌ها حاج قاسم به عنوان نماد اصیل مقاومت اسلامی، توانست خیل کثیری

از آدم‌ها را چه در ایران، و چه در سایر کشورهای محور مقاومت مانند سوریه، عراق، لبنان، یمن و... با خود و با گفتمان مقاومت همراه کند و از

آن‌ها لشکری مقاوم در برابر مستکبران خارجی مانند آمریکا و اسرائیل و

گروه‌های تکفیری منطقه بسازد.

در بعد سیاسی فارغ از فراز و نشیب دولت‌ها و عملکرد شخصیت‌ها، همواره حفظ اصل و اساس انقلاب و نظام جمهوری اسلامی خط قرمز حاج قاسم سلیمانی بود و به‌گواه تاریخ در مسیر دفاع از این اصول ملاحظه‌ای نداشت.

مدیریت به سبک حاج قاسم

سید محمد کشفی
دانشجوی معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

«ما در صورتی اندازه و قیمت این حوادث را می‌فهمیم که به حاج قاسم سلیمانی و به ابومهدی شهید عزیز، به چشم یک فرد نگاه نکنیم. به آنها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را به چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم، آن وقت اهمیت این قضیه روشن خواهد شد. قدر و قیمت این قضیه روشن خواهد شد.»
ولی معظم فقیه، ۲۷ دی ۱۳۹۸



که می‌توان برای مدیریت اسلامی برشمرد. برخی محققان مانند دکتر عزیزی بصیرت را به‌عنوان عامل محوری موثر در مدیریت و تصمیم‌گیری اسلامی دانسته‌اند که شامل سه مقوله‌ی بصیرت نسبت به دین، بصیرت نسبت به جامعه و نهایتاً بصیرت نسبت به مسئله می‌باشد:

بصیرت نسبت به دین: مواردی که می‌توان برای این مورد شمرد تبعیت از رهبری، نقش مذهب و معنویت در کارها و اخلاق و اخلاص فوق العاده ایشان است. حاج قاسم مهم‌ترین شئون عاقبت به خیری را اصلاح رابطه با ولی فقیه دانسته و خود و همگان را به اطاعت از ایشان فرا می‌خواند. دغدغه‌های رهبری برایش همیشه سرلوحه قرار می‌گرفت و ماموریتش را طبق آن می‌چید.

بصیرت نسبت به مسئله: حاج قاسم، قصد دشمن را می‌شناخت و با عقل و درایت با آن روبه‌رو می‌شد. به نقل از مرحوم شیخ الاسلام ایشان عزت را به‌عنوان مبنا و حکمت و مصلحت را به‌عنوان تاکتیک در نظر می‌گرفت. در استراتژی ثبات داشت و در تاکتیک انعطاف.

حاج قاسم در برخورد با اشرار جنوب شرق، بنای همتش را بر این قرار

شهید حاج قاسم سلیمانی، بدون شک از برجسته‌ترین مدیران انقلاب اسلامی است که اهمیت بررسی نوع و کیفیت مدیریت او آنجا از اهمیت بالاتری برخوردار می‌گردد که رهبر انقلاب از ایشان به‌عنوان مکتب یاد می‌کند. ایشان در دوران دفاع مقدس در لشکر ۴۱ ثارالله کرمان در قامت فرماندهی خط شکن قابلیت فراوان خویش را نشان داد و بعد از آن هم در مبارزه با اشرار در منطقه کرمان و سیستان خوش درخشید و لحظه‌ای از خدمت به نظام اسلامی از پاننشست. بعضی از این دوره به‌عنوان اوج شروع کار حاج قاسم یاد می‌کنند که همین شایستگی هم باعث شد مقام معظم رهبری ایشان را در سال ۱۳۷۶ به سمت مهم فرماندهی قدس برگزیند. خدمات او در سپاه قدس بر همگان واضح است که تا آخرین لحظه عمرش برای ایجاد و تقویت ثبات و امنیت منطقه کوشید و عاقبت هم به دست شیطان بزرگ یعنی آمریکا که بزرگترین حامی تروریسم است به شهادت رسید. مدیریت حاج قاسم دارای ابعاد گوناگون است و در دوره‌های متفاوت جامعیت شخصیت ایشان، بیش از پیش نمایان می‌شود. باید به این نکته توجه شود که مدیریت حاج قاسم از نمایان‌ترین و بهترین مصادیقی است

می‌داد که با شاخه‌های داخلی شرارت تا حد امکان مدارا کرده و در عوض ریشه‌های خارجی شرارت را از جا بکند؛ هم چنانی که برای خشکاندن غائله جنوب شرق ابتدا عملیات‌هایی در خارج از کشور در نظر دید تا مسئله عمقی حل شود. ایشان وضعیت موجود را دقیق می‌شناختند، در کنار اقدامات نظامی، اقدامات سیاسی فراگیری را در دوران فرماندهی سپاه قدس در نظر می‌دیدند؛ فلذا غافلگیر نمی‌شدند و همواره دستشان در مقابل دشمن پر بود. اصل برای او، مواجهه با دشمن در میدان بود و از حواشی سیاسی برحذر.

بصیرت نسبت به جامعه: ایشان

نگرش‌ها و گرایش‌های متفاوت را در کشورهای مختلف به‌خوبی می‌شناخت و اقدامات متناسب با آن را انجام می‌داد. در اقدامات او مشاهده می‌کنیم که در لبنان تنها با حزب‌الله لبنان و نه هیچ‌مقام دیگری مذاکره می‌کرد و لکن در عراق با تمام گروه‌ها و گرایش‌های سیاسی دیدار کرد. حقا این بصیرت او را می‌رساند. او نسبت به کشورهای مورد تعرض داعش، چنان مشاوره‌ی امین و دلسوز بود که به دعوت رؤسای آن کشور به آنجا رصد می‌کرد و به‌هیچ‌وجه در امور داخلی کشورها دخالت نمی‌کرد. او چنان طیب

سیاسی و نظامی بود که راه‌حل‌های متناسب با هر کدام از حوزه‌های درگیر با دشمن می‌داد.

پس از گذر و بررسی بصیرت حاج قاسم می‌توان به دیگر موارد درخور مجال اشاره کرد:

مردمی‌سازی؛ اعتقاد بسیار درست حاج قاسم برای امنیت بخشی کشورها، سازمان‌دهی نظامی و تشکیلاتی به معنای حفظ هر کشور به دست مردمانش است. حشد الشعبی عراق نمونه‌ای واضح از آن است. ایشان به این مهم اعتقاد داشت و البته آن را از رهبر معظم انقلاب گرفته بود. البته این امر با هماهنگی سران آن

کشورها بود. او مخلصانه تجربه‌ی گران‌بهای مستخرج از دفاع مقدس را راجع به جنگ مردمی به کشورهای منطقه منتقل کرد. لازم به ذکر است که این بسیج مردمی نیروهای خبیث دشمن را هم ناامید کرد، هم منکوب. در قضیه جنوب شرق هم ایشان همواره از نیروهای بومی استمداد و استفاده می‌کرد و عامل موفقیتش را با مردم بودن

می‌دانست و به آن‌ها ایمان داشت. جان مردم برایش اهمیت داشت و برای او حکم خط قرمز داشت.

جهانی فکر کردن، محلی اقدام کردن؛ حاج قاسم ابتدا بین‌المللی فکر می‌کرد بعد آن را در سطح منطقه تقلیل می‌داد؛ فرضاً لبنان در فلان عرصه چه نقشی را می‌تواند، ایفا کند؛ آن‌گاه اقدامات لازم را انجام می‌داد. حاج قاسم به امنیت‌نگاهی پیوسته داشت و معتقد بود اگر لبنان ناامن شود روی عراق هم تأثیر می‌گذارد. همانگونه که



شبستری فرمود:

اگر هر ذره را برگیری از جای

خلل یابد همه عالم سراپای

حاج قاسم تنها و تنها خود را سرباز ولایت می‌دانست و حتی وصیت کرد که بر روی سنگ قبرش هم تنها همین عنوان سرباز ولایت درج شود. فرامین رهبری را بر جانش می‌خرید و امنیت حداکثری ایران اسلامی همواره مدنظرش بود و ایران را چنان حرمی می‌دانست که باید حفظ شود. او سرپنجه

قدرتمند مکتب روح خدا امام خمینی و مقام معظم رهبری بود. در مبارزاتش با استکبار، همواره آرمان

نجات فلسطین را در سر می‌پروراند و ریل حرکات جهادی‌اش را با توجه به آن می‌چید. امیدواریم با انتقام سخت و حساب‌شده

از دشمنان قسم خورده ملت ایران و ادامه قدرتمندانه فعالیت‌های سپاه قدس، ذره‌ای از ضایعه‌ی نبودنش جبران گردد و منظومه حکیمانه مدیریتی او چراغ

راه حرکت مدیران نظام اسلامی شود.

حاج قاسم قصد دشمن

را می‌شناخت و با عقل و درایت

با آن روبه‌رو می‌شد. به نقل از

مرحوم شیخ الاسلام ایشان عزت

را به‌عنوان مبنا و حکمت و

مصلحت را به‌عنوان تاکتیک در

نظر می‌گرفت؛ در استراتژی ثبات

داشت و در تاکتیک انعطاف.

میدان‌دار

البته ابعاد شخصیتی این شهید عزیز بزرگ‌تر از آن است که این چند جمله گنجایش تبیین و تفسیرش را داشته باشد. اما آن چه مسلم است سه ویژگی شجاعت و خطر پذیری، تدبیر و عقلانیت و اخلاص و معنویت به تعبیر فرمانده این شهید از عناصر اساسی فکر و عمل ایشان بوده است. عناصری که در مجموع در سیاست داخلی و خارجی ایشان را به مردی قابل اتکا و میدان‌دار تبدیل کرده بود.

به تعبیر رهبر انقلاب: «شهید عزیز ما، شهید سلیمانی، ثابت کرد که هم می‌توان ملی‌ترین چهره کشور بود، هم می‌توان امتی‌ترین چهره کشور بود؛ در آن واحد ملی‌ترین و امتی‌ترین بود.»

شخصیت او وقتی پیچیدگی خود را به خوبی نشان می‌دهد که به تعبیر قرآن کریم: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند. این پیچدگی است که باعث می‌شود در سخنرانی عمومی بگوید: «همان دختر کم‌حجاب، دختر من، دختر ما و شماسست؛ نه دختر خاص من و شما، اما جامعه ماست.» و در مقابله با آمریکای ترامپ بگوید: «ایران نمی‌خواهد، خودم حریف تو هستم، ما حریف تو هستیم. آقای ترامپ! سپاه قدس حریف شماسست.»

از تلویزیون تأثیر خود را از فراسوی زمان می‌گذارد. عنصری که دل میلیون‌ها نفر را در اهواز، مشهد، تهران، قم و در نهایت کرمان با او همراه کرد. شاید اگر این بخش از شخصیت حاج قاسم نبود سلیمانی را آنگونه که هست نمی‌شناختیم؛ فردی که در جلسات و حضور به دنبال دیده شدن بود و در میدان نبرد در خط مقدم می‌ایستاد، به طوری که رهبر انقلاب هم به آن اشاره می‌کنند: «اگر اخلاص نباشد کار بی‌برکت می‌شود؛ اینکه می‌بینید کار برکت پیدا می‌کند، به خاطر اخلاص است. اخلاص او [شهید سلیمانی] را از کجا می‌شود فهمید؟ از اینجایی که اصلاً دنبال دیده شدن نبود؛ یک ذره‌ای هم از دیده شدن فرار می‌کرد. او از دیده شدن فرار می‌کرد، حالا جووری شده که همه دنیا دارند او را می‌بینند؛ همه دنیا دارند او را می‌بینند. کار را برای خدا می‌کرد، تظاهر نداشت، لاف‌زنی نداشت؛ اولین پاداش دنیایی‌ای که خدای متعال به این اخلاص او داد، همین تشییع ده‌ها میلیونی بود. این تشییع، اولین جزای اخلاص او در دنیا بود؛ حالا جزای آخرت که به جای خود محفوظ؛ این رواج اسم شهید سلیمانی و رواج شخصیت او، یاد او و نام او در دنیا، جزای دنیوی [او بود].»

بیانات در دیدار خانواده شهید سلیمانی ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

شجاعت

شاید بی‌مناسبت نباشد اگر اولین ویژگی شخصیتی شهید سلیمانی را شجاعت ایشان بدانیم، شجاعتی که در خاطرات خود نوشتشان که با عنوان «از چیزی نمی‌ترسیدم» منتشر شده هم منعکس است. از کودکی که قبل از انقلاب متعرض پاسبان شهربانی شد تا او را بابت جسارت به خانمی در خیابان، تنبیه کند. این شجاعت در بزرگسالی هم تغییر نکرد و با او بود. در جبهه‌های دفاع مقدس، در سال‌های جنگ تحمیلی، جنگ‌های ۳۳ روزه و یمن و عراق و افغانستان و مواجهه با داعش در رویارویی با آمریکا در منطقه. در بررسی‌های شخصیتی که از ایشان توسط برخی اندیشکده‌های خارجی انجام شده نیز شجاعت و خطر پذیری را یکی از ویژگی‌های بارز شخصیتش قلم داد می‌کنند.

عقلانیت

اما شجاعت شهید سلیمانی همراه با ویژگی دیگری بود که او را از دیگران متمایز می‌ساخت. «عقلانیت و تدبیر» چیزی که رهبر انقلاب از آن این‌گونه یاد می‌کنند: «شهید سلیمانی، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ صرف شجاعت نبود؛ بعضی‌ها شجاعت دارند اما تدبیر و عقل لازم برای به کار بردن این شجاعت را ندارند. بعضی‌ها اهل تدبیرند اما اهل اقدام و عمل نیستند، دل و جگر کار را ندارند. این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت - به دهان خطر می‌رفت و ابا نداشت؛ نه فقط در این حوادث این روزها، بلکه] در دوران دفاع مقدس هم در فرماندهی لشکر ثارالله همین جووری بود؛ خودش و لشکرش - هم با تدبیر بود؛ فکر می‌کرد، تدبیر می‌کرد، منطق داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین جور بود؛ بنده بارها به دوستانی که در عرصه سیاسی فعالیتند این را می‌گفتم؛ رفتار او را، کارهای او را [می‌دیدم]. در عرصه سیاست هم، هم شجاع بود، هم با تدبیر بود»

بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

اخلاص

بعد دیگری از شهید سلیمانی که احتمالاً بیشتر از سایر ویژگی‌های ایشان باعث خوش نامی او در بین مردم ایران و حتی منطقه شده، اخلاص و معنویت ایشان بوده است. عنصری که هنوز با پخش شدن تصاویر ایشان و کلیپ‌هایشان



به روایت فرمانده

علیرضا صفایی

دانشجوی مدیریت دانشگاه شاهد

وقتی بخواهیم اندیشه‌های یک متفکر را بررسی کنیم که از قضاکتاب نوشته، سخنرانی کرده، مقاله‌هایی در باب اندیشه خودش منتشر کرده و در نهایت شاگردانی تربیت کرده که ادامه‌دهنده سنت فکری اش باشند کار دشوار خواهد بود. اما بررسی خط فکری کسی که در میدان بوده، شاید سخنرانی هم کرده اما نه برای تبیین اندیشه‌های خودش شاگرد تربیت کرده، نه برای حفظ سنت اندیشه‌ای خودش فرصت چاپ مقاله داشته و کتابی از خود منتشر نکرده، کار دشواری پیش‌رو داریم. اینجا به جای آن که بخواهیم اندیشه‌ای را تبیین کنیم باید انسانی را تفسیر کنیم. به جای آنکه بپرسیم به چه فکر می‌کرد، باید بپرسیم چگونه فکر می‌کرد و در انتها به جای تبیین چهارچوب نظری اندیشه‌هایش باید چهارچوب عملی ویژگی‌های شخصیتش را پیدا کنیم.



نشریات دانشجویی امسال هم یاد و خاطره سردار دل‌ها را گرامی داشتند

گزیده برخی از یادداشت‌های منتشر شده را بخوانید

یادواره قلم‌ها

دیپلماسی در میدان

... مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق، در خاطرات خود به نقش مهم حاج قاسم در یاری‌رسانی به نیروهای پیشمرگه در جلوگیری از سقوط مرکز اقلیم اشاره می‌کند. همه آن‌چه که در بالا گفته شد، برای ما تصویری از مردی ارائه می‌دهد که همواره در میدان‌های سخت نبرد نقش آفرینی کرده و در تاکتیک‌های «میدان» بی‌نظیر بوده است. اما این همه آن‌چیزی است که رسانه‌ها از او برای ما تصویر کرده‌اند. آیا حاج قاسم و شخصیتش، در فرماندهی و هدایت عملیات‌های نظامی خلاصه می‌شد؟! آیا برجستگی‌های او در شجاعت و حضور در مناطق عملیاتی هویدا می‌شد؟! آن‌چه که از خاطرات مقامات و مختلف کشور برمی‌آید، حاج قاسم نه تنها شخصیتی میدانی و عملیاتی بود، بلکه در میدانی سیاسی، سیاست‌مداری تیزبین و آن‌طور که نشریه نیوزویک از او توصیف می‌کند، شنونده‌ای ماهر بود. حاج قاسم آن‌چه را که دست‌آورد میدان می‌خوانند، همواره برای حفظ اقتدار ملی کشور که مهم‌ترین ضامن اعتبار تصمیماتش در عرصه بین‌الملل بود، می‌خواست. کارت نفوذ منطقه‌ای ایران در مذاکرات خارجی در جیب مذاکره‌کنندگان قرار می‌گرفت تا از آن به‌عنوان یک اهرم فشار استفاده کنند و حقوق حقه ملت را استیفا کنند. حاج قاسم را به‌تنهایی مرد جنگ خواندن جفایی در حق ایشان است؛ حاج قاسم ما نماد توازن میدان و دیپلماسی بود.

به قلم علی صفری، دانشجوی داریوسازی
منتشر شده در نشریه مبین دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

رشادت‌های حاج قاسم و خباث‌های آمریکا

رشادت‌های حاج قاسم و شخصیت والای ایشان ظرفیت نگارش چندین کتاب را دارد که چنین شخصیتی شناخته شود. لکن حتی اگر محدود به خواندن چند خاطره کوتاه از ایشان هم باشیم، حس عجیبی به انسان دست می‌دهد. سردار شهید، حاج قاسم سلیمانی، در برخورد با مردم هیچ‌گاه افراد را با نگاه‌های آمیخته به تبعیض نمی‌دیدند و معتقد بودند ظاهر افراد نباید ملاک ارتباط باشد. ایشان در روز جهانی مسجد، در اثنای سخن‌رانی خویش، مهر تاییدی بر این سخن زده و فرمودند: «همان دختر کم‌حجاب هم دختر من است؛ دختر ما و شما است، نه فقط دختر ما و شما، بلکه دختر جامعه ما است». این عدم تبعیض در برخورد ایشان با مسئولین هم دیده می‌شود که خود ایشان در این باره به‌صراحت فرمودند: «تفاوتی بین اصلاح‌طلب و اصولگرا نیست و برخورد متفاوت با این دسته‌بندی‌های سیاسی را قبول ندارم». شخصیت حاج قاسم را اگر بخواهیم در یک جمله خلاصه کنیم، می‌توان به همین جمله

«اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا» بسنده کرد ...

به قلم مهسا ابراهیمی جم
منتشر شده در شماره سوم نشریه بصر بسیج دانشجویی دانشگاه علامه طباطبائی

جایگاه ولایت فقیه از نگاه شهید سلیمانی

شهید سلیمانی است. این مهم از سطور آغازین وصیت‌نامه مبسوط سردار و تا خطوط نهایی آن مستمر است و این بیان‌گر عظمت ولایت فقیه در فکر او و سلوک او به حساب می‌آید...
تعالیر سردار سلیمانی در وصیت‌نامه پرنکته، درباره ولایت فقیه و ولی امر بسیار جالب و درس‌آموز است؛ چندی از این عبارات را با هم خواهیم خواند: «حکیم»، «مظلوم»، «خامنهای عزیز که جانم فدای او باد»، «تنها نسخه نجات‌بخش امت»، «خیمه رسول الله»، «والله والله والله اگر این خیمه آسیب ببیند، بیت الله الحرام آسیب می‌بیند»، «از اصول مراقبت کنید؛ اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت»، «خامنهای عزیز را جان خود بدانید»، «مقدس»، «این ولایت، ولایت علی ابن ابی‌طالب است»، «خیمه ولایت، خیمه حسین فاطمه است»، «دور آن بگردید، با همه شما هستم»، «ولایت فقیه رنگ خداست، این رنگ را بر هر رنگی ترجیح دهید»، «با جان و دل به توصیه و تذکرات او به‌عنوان طبیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید»، و «شرط اساسی احراز مسئولیت، اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه است». واژه «مظلوم» در عبارات شهید سلیمانی کمی برایم رازگونه بود. از نظر او دکترین «ولایت فقیه» و «ولی فقیه زمان»، «آن‌طور که حق آن است»، عمل نمی‌شود.

از منظر او ولایت فقیه محور اسلام، تشیع، ایران و جهان است و همه خیرها وابسته توجه و عمل به آن است. او در تجربه علمی و عملی خود ناظر بر آن بود که ولایت فقیه و امام خمینی (سلام الله علیه) و امام خامنهای (دامت برکاته)، کلید گشایش همه مشکلات و مرهم همه آلام است...

به قلم مهدیه سطوتی
منتشر شده در شماره سوم نشریه سجاد
ویژه‌نامه سیاسی جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه امام خمینی (ره) قزوین

خون تو پایان نداشت

۱۳ دی‌ماه ۹۸ از آن روزهایی است که در حافظه تاریخی ملت ایران ماندگار شد. روزی که ملت ایران به نظاره در خود غلتیدن قهرمانش نشست. همان که ارزش‌ها و داشته‌های خود را در او متبلور دیده بود. شهادت او توانست زنده‌بودن مکتب اسلام و انقلاب را به رخ دنیا بکشد و مقام معظم رهبری با تأکید بر این که به راه حاج قاسم به‌عنوان یک مکتب نگریسته شود، اهمیت و قدر این نوع نگاه و رویکرد به ایشان را مشخص می‌سازد. البته باید توجه داشت که بررسی این مکتب بدون در نظر گرفتن رابطه آن با اسلام و انقلاب ممکن نیست، چراکه از یک سو مشروعیت این مکتب ناشی از میزان مشابهت با شرع اسلام بوده و از سوی دیگر پرورش یافتن آن در دل انقلاب اسلامی رخ داده است.

اما مکتب چیست؟ به‌طور کلی مکتب را می‌توان مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات دانست که آدمی را به انجام سبک و روش خاصی از عمل وامی‌دارد؛ یا به‌قول شهید مطهری «مکتب یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است».

مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتقادی مکتب حاج قاسم که منبع سایر مولفه‌های این مکتب است را می‌توان نگاه توحیدی دانست. این اعتقاد منجر به ایجاد خصایصی چون عبادت، خدمت، نفی استکبار، ولایت‌پذیری، اخلاص و... شده بود. با سیری در وصیت‌نامه سردار سلیمانی می‌توان این مولفه‌ها را به‌وضوح دید. اصول اندیشه‌ای و معرفتی او بر خدا‌باوری، تفکر راهبردی ولایی و آخرت‌باوری مبتنی است. این اصول که از جنس معرفتی هستند به‌عنوان قوه محرک در نظر گرفته می‌شوند که چگونگی عمل رامعین می‌کنند که نتیجه آن نمود رفتارهای مبتنی بر اندیشه توحیدی است. سردار سلیمانی در اصول ارزشی و بینشی که کمک‌کننده در مسیر حرکت هستند، اخلاص در گفتار و عمل، التزام عملی به دین و روحیه جهادی و انقلابی‌گری را در وصایای خود تبیین می‌کند. با توجه به مجموع این مفاهیم و مضامین که هم در زندگی و رفتار عملی سردار سلیمانی ظهور یافته بود و هم در وصیت‌نامه ایشان به‌جای مانده است، می‌توان راه و روش ایشان را مکتب دانست. چرا که مشتمل بر مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات است که انسان را برای انجام نوعی خاص از عمل در حوزه‌هایی چون عبادت، مدیریت، رفتار، تقوا و ادب و... رهنمون می‌کند.

حاج قاسم توانست محبوب دل‌های بسیاری از مردم باشد؛ چه در مرزهای ایران و چه در خارج از آن و در قلوب آزادگان جهان. بررسی ابعاد مختلف مکتب سلیمانی می‌تواند همه کسانی را که دل در گرو آن دارند تا به آن ملحق شوند را راهنمایی کند که چگونه در این مسیر گام بردارند. آن‌چه اهمیت دارد آن است که وابستگی و مشابهت مکتب سلیمانی با دین اسلام در ضمن اخلاص در عمل را می‌توان عامل ماندگاری آن دانست که در بعد زمان و مکان نمی‌گنجد و همه آزادگان تاریخ می‌توانند به این دریای خروشان بپیوندند. طبق بیان مقام معظم رهبری، «بارفتن او به حول و قوه الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد» و خون او پایان نخواهد داشت...

به قلم زهرا رزقی، دانشجوی علوم سیاسی
منتشر شده در ویژه‌نامه دومین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی
نشریه قلم دانشگاه فردوسی مشهد

فعالان نشریات دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور

در دومین سالگرد شهادت شهید قاسم سلیمانی با او تجدید میثاق کردند

با تو عهد می بندیم سردار...

” سنگر دفاع
از حرم جمهوری اسلامی
را خالی نگذارم و همه تلاش
و پشتکارم را برای ساختن ایرانی قوی
به کار ببرم تا زمینه انتقام اصلی خون
آن عزیز ملت فراهم گردد.
“ علی احمدی دانشگاه تبریز

” همچون او و هم‌سنگران
پیرو ولی فقیه باشم. همچنین آن
هدفی که برای آن مبارزه می‌کرد
را دوشادوش دانشجویان دیگر برای
ملت ایران و امت اسلامی تبیین
و روشن‌گری کنم.
“ محمدصادق عباسی دانشگاه علامه طباطبائی

” در راه انقلاب و جمهوری اسلامی تمام توانایی خود را به کار گیرم،
در جهت تقویت و تبیین مبانی و جریان‌سازی انقلابی اقدام کنم،
همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشم، از رهنمودهای ایشان برای پیشبرد اهداف
انقلاب و سیر حرکت جنبش دانشجویی نهایت بهره‌ر را ببرم
و با توجه به وصیت‌نامه ایشان که بخشی از آن خطاب به مردم کرمان بود،
به عنوان یک کرمانی در انجام نصایح ایشان همت ورزم.
“ سعیدهادوی دانشگاه آزاد تهران شمال

” تا جان در بدن دارم از اصول دین مبین اسلام و مسیر پاکی
که اهل بیت عصمت و طهارت راهبر آن بوده‌اند پاسداری کنم،
سرباز رکاب ولی فقیه زمان شوم و توفیق حضور او را به معنای واقعی درک کرده
و آماده دستور باشم. مکتب حاج قاسم را که مکتبی آمریکاستیز و پرورش یافته
مکتب اسلام است فراموش نکنم و زیر پرچم ولی فقیه در مقابل
آمریکای جهان خوار بایستم.
“ امیررضا قهره شهرک دانشگاه مراغه

” نسبت به وظایفی
که در قبال جامعه
و تمامی اقشار مردم دارم،
همچون ایشان انجام وظیفه کنم.
“ محمدامین ناصری فرد دانشگاه فردوسی مشهد

” همواره در هر نقشی
که قرار می‌گیرم و آن را می‌پذیرم
تمام سعی خود را برای بهتر انجام
شدن آن انجام دهم و رضایت خداوند و
آسایش مردم بر آن چه منفعت
من است ترجیح داشته باشم.
“ فهمیه سهرابی دانشگاه شیراز

” از حرم جمهوری اسلامی
پاس‌داری کنم تا سایر حرم‌های مطهر
هم آسیبی نبینند.
“ ابراهیم غمخوار دانشگاه شیراز

” فارغ از نام و نشان برای ارتقای
کیفیت زندگی اطرافیانم تلاش کنم.
“ زهرا اسادات سجادی دانشگاه علوم پزشکی اراک

” پیوند نامش را با نام وطن
همواره گرامی بدارم و ارجمند بشمارم.
“ مهرداد الهی دانشگاه رازی کرمانشاه

” جز برای حق و حقیقت قلمم
نچرخد و تا ظلم وجود دارد آرام‌نگیرم.
“ مهرگان محمدی دانشگاه شاهد

” طبق وصیت خود ایشان
در خدمت اسلام باشم.
“ علی اسدی دانشگاه علم و صنعت

” پیرو مکتب ایشان
همیشه و در هر زمان در راه ولایت قدم
برداشته و گوش به فرمان رهبرم باشم.
“ رضا کلانتری دانشگاه لرستان

” اسلام، اهل بیت (ع) و رهبرم
را فراموش نکنم.
“ امیررضا بخشی پور دانشگاه امام خمینی قزوین

” در تمامی مراحل زندگی شعار
و عمل خود را در یک راستا اجرایی کنم.
“ محمد مهدی سلیمانی روزبهانی دانشگاه اراک

” در راه ظهور امام زمان (عجل الله)
هر کاری از دستم برمی‌آید
در حد توان انجام دهم.
“ سارا قاسمی مقدم دانشگاه اراک

” استوار و ثابت قدم
از اصول اسلام و انقلاب مراقبت کنم.
“ مهدی دشتبانی دانشگاه یاسوج

ایران

مهم ترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرارداد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده ای این کشور را می درید؛ آمریکا چون سگ هاری همین عمل را می کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را به پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد. انقلاب هایی در انقلاب ایجاد کرد. به این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را سپر شما و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نموده اند و بزرگ ترین قدرت های مادی را ذلیل خود نموده اند.